



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان
ریاست محکمه استیناف ولایت بدخشان
ریاست محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم خشونت علیه زن و
تخلقات اطفال
فارمت احکام قطعی محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم خشونت
علیه زن

شماره: (۶۲)

شهرت طرفین دعوی و نوع واقعه			
شهرت څارنوال	(ن ن)	نوع واقعه	لت و کوب
شهرت محکوم	(ن) ولد (ع)	محل واقعه	ناحیه ۵ فیض آباد
وظیفه محکوم	کارمند صحت عامه	تاریخ واقعه	۱۳۹۹/۶/۵-۴
شهرت وکیل	(م ی) جواز ۹۷۷	سبب تحریک دعوی	عریضه متضرر
شهرت متضرر	(م) بنت (الف)	رابطه محکوم با متضرر	زن و شوهر

شهرت قضات			
اسم	ل	ع	م
تخلص	ر	م	م
وظیفه	عضو قضائی	عضو قضائی	رئیس محکمه

خلاصه جریان قضیه	<p>به ملاحظه اوراق دوسیه جریان قضیه طوریت که (م) بنت (الف) عارض گردیده که مدت ده سال میشود با (ن) ولد (ع) ازدواج نمودم و ثمره ازدواج ما سه طفل میباشد ولی از مدت پنج سال است که مورد لت و کوب و خشونت شوهرم قرار میگرم که بالاخره لیل ۴-۱۳۹۹/۶/۵ شوهرم (ن) دخترم را با الفاظ زشت دو و دشنام نمود برایش گفتم آدم در مقابل طفل این گونه الفاظ را استفاده نمیکند با گیلان و ظروف که نان خوردیم مرا زد که به تو مربوط نمیشود و گفته طلاق هستی از خانه با اولاد هایت بیرون شو.</p>
خلاصه دلایل و مطالبه څارنوال	<p>۱- موجودیت نظریه داکتر به لت و کوب شدن متضرر (م). ۲- موجودیت فوتو های متضرر (م) مبنی بر لت و کوب شدن. ۳- اعتراف متهم مبنی بر جار و جنجال و طلاق نمودن خانمش. بنا با ذکر جریان فوق از پیشگاه رئیس جلسه قضائی و اعضاء محترم شان تقاضا و طلب دارم تا (ن) ولد (ع) را در قضیه لت و کوب (م) بنت (الف) مطابق هدایت ماده فقره (۱) ماده (۲۲) قانون منع خشونت علیه زن و بارعایت فقره (۱) ماده (۵۷۷) کود جزاء محکوم به مجازات فرمایند.</p>
خلاصه دفع متهم و یا وکلای مدافع	<p>حقوق اساسی متهم طبق هدایت ماده (۳۱) قانون اساسی تفهیم گردید که متهم متذکره از طرف خویش وکیل تعیین نموده و وکیل مدافع بعد از اخذ صورت دعوی از موکلم خویش چنین دفاع نمود که: جریان قضیه را موکلم چنین بیان می نماید که من از ده سال قبل با (م) بنت (الف) ازدواج نمودم و ثمره ازدواج ما دو دختر و یک پسر میباشد خانمم و من هر دو شخص وظیفه دار هستیم و از ابتدائی زندگی مشترک ما به طور نورمال به پیش میرفت اما از پنج سال بدین سو بی اعتمادی بین مایان پیدا شده و همیشه خانمم با من رابطه خوب نداشت و سر هر سخن بهانه گیری میکرد و هر نوع برخورد زشت را بر من روا میداشت و همیشه برایم میگفت طلاقم را بده لیل که واقعه طلاق اتفاق افتاد من از وظیفه آمدم در خانه خود روی فرش دراز کشیده بودم خوابم برده وقتی بیدار شدم دیدم خانمم برای اولاد ها نان آماده کرده و برای من نان در نظر نگرفته است، نان را خوردند اما دسترخوان جمع نکرده بودند وقتی دخترم را صدا کردم که بیا دسترخوان را جمع کن خانمم آمده طرف من گفت تو کدام خر هستی که خودت جمع نمیکنی به همین قسم دشنام توهین و تحقیر را زیاد کرد و برایم گفت که طلاقم را بده من بدون این که بروی حمله کرده باشم و یا وی را مورد لت و کوب قرار داده باشم وی را سه طلاق دادم چون دیگر راه برایم نمانده بود. دلایل څارنوال قابل قبول نیست. اول این که څارنوال مؤظف آنچه را که در مطابقت به احکام قانون به شکل بی طرفانه به بررسی قضیه پردازد و دلایل الزام و نفی را علی السویه بررسی نماید نکرده است. دوم اینکه هیچگاه به اظهارات (م) توجه نکرده چون خود خانم گفته است وقتی از کابل آمدم شوهرم همراهم گپ نزد چرا دلیل این مسئله را پرسان نکرده، حتمن دلیل وجود داشته که با هم صحبت نمی</p>

<p>کردند. سوم این که متضرر (م) در اظهاراتش گفته شوهرم (ن) مرا با سیلی زد که این مسئله را از یک طرف موکلم رد میکنند و از سوی دیگر به علایم لت و کوب دوسیه نظر انداخته شود از اثر سیلی زدن چنین علایم به جا نمیگذارد، و خود (م) اقرار کرده که سه روز بعد نزد داکتر رفتم که حتمن این آثار از حادثه دیگری است که ربط به این حادثه ندارد ممکن این علامه از چاقو و یا کدام آله جاریه دیگر باشد که درج دوسیه نیست و به این حادثه ربط ندارد. بناءً از پیشگاه هیئت قضائی تقاضا دارم که مطابق ماده (۲۵) قانون اساسی و ماده (۵) کود جزاء به بیگناهی موکلم اصدار حکم فرمایند.</p>	
<p>۱- هیئت قضائی بعد از غور و مذاقه اوراق دوسیه، صورت دعوی خارنوال، دفاعیه و کیل مدافع متهم به این نتیجه رسیدند که بنابر دلایل ذیل مسؤلیت ن (متهم فوق الذکر در قضیه لت و کوب خانمش (م) ثابت بوده و کسب الزامیت میکند.</p> <p>۲- ادعا و اظهارات مستقیم متضرر (م) بنت (الف) مبنی بر لت و کوبش از طرف متهم فوق الذکر .</p> <p>۳- اعتراف متهم قضیه مبنی بر حضورش در محل واقعه و جار و جنجالش سر جمع کردن دسترخوان مبنی بر این که جنجال لفظی بین من و خانمم صورت گرفت که اظهارات وی درج دوسیه میباشد.</p> <p>۴- موجودیت نظریه داکتر مبنی بر لت و کوب متضرر. اما در خصوص این که متضرر قضیه چهار عدد فوتو دست های خود را مبنی بر این که از اثر لت و کوبی از طرف شوهرش (ن) باشد در مورد باید گفت نظر به اظهارات متضرر قضیه (م) در جلسه قضائی مؤرخ ۱۳۹۹/۷/۲۰ این تصاویر از سالهای قبل بوده و به اتهام فعلی متهم مذکور ربط نداشته و از طرف دیگر متهم مذکور هم در این خصوص کاملاً انکار بوده که اظهارات متضرر قضیه درج محضر قضائی میباشد قبلاً ملاحظه است بنابر دلایل فوق ماهیت قضائی تصمیم ذیل را اتخاذ نمودیم.</p>	<p>خلاصه استدلال هیئت قضائی</p>
<p>ماهیت قضائی محکمه ابتدائی رسیده گی به جرایم خشونت علیه زن ولایت بدخشان در جلسه قضائی علنی منعقدہ تاریخ ۱۳۹۹/۷/۲۰ به حضور داشت طرفین قضیه متکی به دلایل فوق الذکر به اتفاق آراء طبق هدایت فقره (۱) ماده (۲۲) قانون منع خشونت علیه زن بارعایت بند (۱) ماده (۵۷۷) کود جزاء تو (ن) ولد (ع) را در قضیه لت و کوب (م) بنت (الف) تعزیراً به مبلغ شش هزار افغانی جزاء نقدی به خزانه دولت محکوم به مجازات نمودیم.</p>	<p>نص حکم</p>
<p>قناعت طرفین</p>	<p>سبب قطعیت حکم محکمه ابتدائیه</p>

(

تاریخ / / محل امضاء آمر با صلاحیت)